

رابطه «نقش‌های جنسیتی» و «تیپ شخصیتی» زوجین با «کارآمدی خانواده»

* هادی دهقانی
** محمدمهری صفورایی

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه «نقش جنسیتی» و «تیپ‌های شخصیتی» A و B زوجین با «کارآمدی خانواده» انجام شد. روش تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری طلاب پایه‌های ۵ تا ۷ شهر قم در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ و همسران آنها بودند. نفر شامل ۱۲۰ زوج با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشبای انتخاب شدند و به سه پرسشنامه «نقش جنسیتی بم»^۱, «تیپ شخصیتی A و B روزمن و فریدمن»^۲ و «کارآمدی خانواده صفورایی»^۳ پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که «نقش جنسیتی آندروژنی» و «کارآمدی خانواده» رابطه معنادار مثبت دارند؛ «نقش جنسیتی نامتمايز» و «کارآمدی خانواده» رابطه معنادار منفی دارند؛ «نقش‌های جنسیتی متمايز» اعم از مردانه و زنانه با «کارآمدی خانواده» رابطه معناداری ندارند؛ بین «تیپ شخصیتی B» و «کارآمدی خانواده» رابطه معنادار مثبت وجود دارد و بین «تیپ شخصیتی A» و «کارآمدی خانواده»، رابطه معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: نقش جنسیتی، تیپ شخصیتی، هویت جنسی، کارآمدی خانواده، طلاب، شهر قم.

مقدمه

کانون خانواده در تعالیم سازنده اسلام، مایه آرامش اعضای آن و مورد رضایت خداوند است و پیامبر گرامی اسلام^۱ آن را محبوب ترین بنیان در نزد خداوند بزرگ معرفی می‌کند.^۱ همچنین کارکردها و درنهایت کارآمدی خانواده کانون توجه آموزه‌های دینی است؛ زیرا با تحکیم و تقویت بنیان خانواده رابطه متقابل دارد، به‌گونه‌ای که هرگاه کارکردهای خانواده در راستای قوانین اسلام تقویت شوند، به تحکیم خانواده می‌انجامند (موسی‌زاده، ۱۳۹۳).

خانواده با توجه به کارکردهایی که دارد؛ افون بر اینکه از جامعه تأثیر می‌پذیرد و تغییرات ایجاد شده در جامعه آشکارا در آن بازنمایی می‌شود، از مهم‌ترین ابراهها برای ایجاد تغییر در فضای اجتماعی است؛ بنابراین با بررسی روابط درونی خانواده و عوامل مرتبط با کارآمدی آن، می‌توان آثار فرایندهای گوناگون را بر آن مشاهده کرد و نیز در مورد آینده به پیش‌بینی پرداخت.

کارآمدی خانواده عبارت است از وضعیتی که در آن خانواده با پایبندی اعضای آن به اعتقادات دینی (شاخص بینشی) و رعایت حقوق (شاخص حقوقی) و اخلاق اسلامی (شاخص اخلاقی)، زمینه کشف و پژوهش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کند (صفورایی، ۱۳۸۸).

شاخص بینشی خانواده کارآمد به بینش‌های دینی اشاره دارد که برای رشد و کارآبی خانواده ضروری است. براساس منابع دینی، ایمان به خدا، اعتقاد به رسالت و امامت و زندگی پس از مرگ، مهم‌ترین باورهای دینی‌اند که خانواده را کارآمد می‌کند (صفورایی، ۱۳۹۰).

براساس آیات و روایات اسلامی، نه تنها مبنا بودن اخلاق در حقوق خانواده اثبات شده است، بلکه نتایج واکاوی در این منابع، بیانگر آن است که یکی از اهداف شارع در وضع احکام خانواده، تحقق خانواده‌ای مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی بوده است (اسدی و ذیبحی، ۱۳۹۴) و در بسیاری از موارد، ویژگی‌های اخلاقی تأثیری بی‌واسطه بر تأمین نیازهای فطری همسران دارند (بستان، ۱۳۹۲).

همچنین منابع دینی برای هریک از اعضای خانواده (زن، شوهر، فرزند، پدر و مادر)، حقوقی را نیز وضع و در مقابل آن حقوق، وظایفی برای طرف مقابل معین کرده است. براساس متون دینی، رعایت حق و انجام وظیفه در کنار هم است که تأمین‌کننده کارآمدی خانواده می‌باشد (صفورایی، ۱۳۸۹).

۱. مَا بَيْنَ بَيْنَةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۴).

افراد در تمامی جوامع بشری براساس ملاک‌های اجتماعی مانند نقش و پایگاه، طبقه، مذهب، نژاد، قومیت و مانند آنها دسته‌بندی می‌شوند. جنسیت از مهم‌ترین ملاک‌های اجتماعی فرهنگی برای دسته‌بندی افراد جامعه به شمار می‌آید و یکی از مهم‌ترین ابعاد ساخت احساس هویت فردی و نیز یکی از معیارهای اصلی شناخته شدن افراد در اجتماع است (نجاریان و خدارحیمی، ۱۳۷۷). هویت جنسیتی یک شخص، جنسیتی است که فرد از راه آن با خودش به عنوان یک مرد یا زن پیوند شناختی و عاطفی می‌یابد (بارون و برن، ۱۹۹۴؛ نقل از نجاریان و خدارحیمی، ۱۳۷۷). انتظارات غالب در یک جامعه درباره فعالیت‌ها و رفتارهایی که مردان و زنان می‌توانند یا نمی‌توانند در آنها درگیر شوند سبب می‌شود که افراد، بنابر جنسیت خود (مرد یا زن بودن) نقش‌هایی را ایفا کنند که نقش جنسیتی نامیده می‌شود (بستان، ۱۳۸۵).

زنان و مردان در خانواده نیز می‌توانند مجموعه‌ای از نقش‌ها و صفات را داشته باشند که مکمل یکدیگرند و بر وابستگی متقابل مبتنی بر اطمینان و اعتماد دوچانبه و دادوستد عاطفی مثبت تأکید کنند. پیوند متقابل میان اعضای خانواده و اهمیت دادن به نقش‌های جنسیتی یکدیگر، نقطه شروع خوبی برای پرداختن به پویایی‌های پیچیده در خانواده است.

به نظر ساندرا بم^۱ تصور رایجی که در مورد مردانگی و زنانگی وجود دارد، درست نیست و نباید مردانگی و زنانگی را در دو سوی یک پیوستار و کرانه‌های متضاد یک بعد منفرد در نظر گرفت؛ بلکه باید دو محور جهت‌گیری مردانه و زنانه را عنوان کرد. وی اعتقاد داشت که جهت‌گیری مردانه با ویژگی‌های مردانه (مانند پرخاشگری) و جهت‌گیری زنانه با ویژگی‌های زنانه (مانند تربیت‌کننده) مستقل از یکدیگر است (هايد، ۱۳۹۴). پس بم با توجه به فرض زیربنایی الگوی خود که مردانگی و زنانگی دو بعد مجزا و مستقل هستند (نه دو قطب یک پیوستار)، چهار سنخ عمله جنسیتی را ارائه کرده است؛ بنابراین بسته به نمره افراد در هریک از دو جهت‌گیری مردانگی و زنانگی، چهار سنخ شخصیتی موجود عبارتند از: سنخ مردانه،^۲ سنخ زنانه،^۳ سنخ نامتمایز^۴ و سنخ آندرودروژنی.^۵ شخصی که صفات مختص مردان در او زیاد و صفات مختص زنان در او کم باشد، دارای نقش جنسیتی مردانه است. شخصی که صفات مختص زنان در او زیاد و صفات مختص مردان در او کم باشد، دارای نقش جنسیتی زنانه است. شخصی که در هر دو دسته

1. Sandra Bem

2. Masculine Type

3. Feminine Type

4. Undefined Type

5. Androgyny Type

صفات ضعیف می‌باشد، واجد نقش جنسیتی نامتمایز است و نیز شخصی که تعداد زیادی از صفات مردانه و زنانه را دارد، او را آنдрودژنی می‌نامند (نجاریان و خدارحیمی، ۱۳۷۷).

افراد آندرودژنی در روابط میان فردی خود منعطف‌تر از دیگر افرادند (مانستد^۱ و همکاران، ۱۹۹۶) و از لحاظ تمایزیافتگی در وضعیت بهتری قرار دارند (اشترایه، ۱۳۹۲) و نسبت به همتایان خود از بهداشت روانی (بم، ۱۹۸۱) و کمال شخصیتی بهتری برخوردارند و نیز با مفاهیم نقش جنسیتی محدود نمی‌شود و از نظر پاسخ‌دهی کارآمد به موقعیت‌های مختلف گستردگر و آزادتر هستند (هاید، ۱۳۹۴). مردان و زنانی که به عنوان آندرودژنی توصیف می‌شوند، از محبویت اجتماعی بالاتری برخوردارند و به دلیل توانایی در پرداختن به رفتارهای مردانه و زنانه و همچنین توانایی جابجایی این دورفتار، سازش بافتہ‌تر از دیگر افرادند (بم، ۱۹۷۴؛ اسپنس،^۲ ۱۹۷۵؛ نقل از گولومبک و فیوش، ۱۳۷۸). مثلاً بسته به شرایط می‌توانند استقلال مردانه یا عطوفت زنانه نشان دهند (تیلوروهال؛ نقل از برک، لورا ای، ۲۰۰۱). آنها عزت نفس بالاتری دارند و در بین همسالانشان در مقایسه با افراد دیگر، از محبویت بیشتری برخوردار هستند (میجر، دوکس،^۳ ۱۹۷۱؛ ماساد،^۴ ۱۹۸۱ و اسپنس^۵ ۱۹۸۱؛ نقل از نجاریان، ۱۳۷۷).

همچنین، افراد آندرودژنی از عملکرد خانواده بالاتری برخوردارند (خانی‌مجد و همکاران، ۱۳۹۱ و نجاریان، ۱۳۷۷). همسران آندرودژنی بهتر از دیگران قادر به مدیریت تعارضاتشان هستند و نسبت به افراد مردانه و یا زنانه احساسات مثبت بیشتر و انرژی بالاتر در انجام وظایف دارند و میل به کنترل بیشتری را نشان داده‌اند (یلسما و براون، ۱۹۸۵) و در مورد رابطه جنسی راحت‌ترند و فراوانی رابطه و میزان ارگاسم بیشتری را گزارش داده‌اند (رادلاو، ۱۹۸۳).

از سوی دیگر، مطالعه شخصیت برای درک ماهیت انسان امری ضروری است. هریک از همسران با پیشینه تحولی و سبک شخصیتی و ترکیب عوامل زیست‌شناختی، محیطی و تجربی گوناگون به زندگی مشترک قم می‌گذارند. دونلان و همکاران (۲۰۰۴)، با اشاره به پژوهش‌های انجام شده بر این نظرند که رضایت زناشویی بیش از همه از ویژگی‌های شخصیتی زوجین متاثر است (عباسی، ۱۳۸۸). از آنجا که ویژگی‌های شخصیتی زیربنای نظام رفتاری افراد را تشکیل

1. Manstead, A.R.

2. Spence

3. Major, Deaux

4. Massad

5. Spence

می‌دهند، پرداختن به این مقوله می‌تواند جنبه‌های خاصی از عملکرد افراد را در زمینه‌های گوناگون، از جمله در بستر خانواده روش سازد.

یافته‌های پژوهشی فراوان نشان می‌دهند که عوامل و ابعاد شخصیتی بیشتر از متغیرهای تقویمی مثل سن، تحصیلات یا سابقه جدایی در گذشته با عملکرد خانواده (معین و همکاران، ۱۳۹۰) و رضایت زناشویی (قلیزاده و همکاران، ۱۳۸۹ و جنوس و استfan،^۱ ۱۹۹۹ و ویجنتیمالا و کوماری، ۲۰۰۴؛ نقل از بهبودی، ۱۳۸۸ و علی‌مدد و همکاران، ۱۳۹۱ و قاسمی ارگنه و همکاران، ۱۳۹۱ و شاکریان، ۱۳۹۱ و فینچام، هارولد و گانوفیلیپس، ۲۰۰۰ و فرانک و کیم، ۱۹۹۸) مرتبط هستند. همچنین نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افراد کسانی را به عنوان همسر انتخاب می‌کنند که ویژگی‌های مشابهی با آنان داشته باشند (بنتلر و نیوکمب، ۱۹۹۸) و همسرانی که دارای تیپ‌های شخصیتی مشابهی هستند، رضایت زناشویی بهتری را تجربه می‌کنند (اماکنی و مجذوبی، ۱۳۹۱؛ صادقی و همکاران، ۱۳۹۴ و ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۶).

تیپ شخصیتی A، یکی از مشهورترین تیپ‌های شخصیتی-رفتاری است که از سال ۱۹۵۹ تاکنون در متون روان‌شناسی و روان‌پزشکی مطرح شده و مورد توجه فراوان قرار گرفته است. در سال ۱۹۵۹ دو متخصص قلب به نام‌های فریدمن و روزنمن مشاهده کردند که مردان و زنانی که دارای ویژگی‌هایی مانند تکلم سریع، رقابت‌جویی، بی‌حوالگی، سخت‌کوشی، پرخاشگری و خشونت هستند، حدود هفت برابر بیشتر از افراد عادی مستعد ابتلای به بیماری‌های کرونر^۲ می‌باشند (روزنهمان و سلیگمن، ۱۳۷۹). همچنین این افراد از شخصیتی برخوردارند که «مستعد بیماری»^۳ هایی از جمله افسردگی، عصبانیت، خصومت و اضطراب هستند (فریدمن و کلی، ۱۹۸۷).

الگوی شخصیتی رفتاری تیپ A آمیزه‌ای کنشی هیجانی است که با تلاش افراطی جهت کسب امتیازات زیاد و چه‌بسا نامحدود در زندگی در کوتاه‌ترین زمان ممکن و در مخالفت و رقابت با افراد دیگر مشخص می‌شود (روزنمن، ۱۹۸۹؛ نقل از نجاریان و همکاران، ۱۳۷۴).

افرادی که چنین ویژگی‌هایی را ندارند، در دسته افراد دارای شخصیت تیپ B قرار می‌گیرند؛ بدین ترتیب، شخصیت تیپ B دارای این خصوصیت‌ها می‌باشند: آرام، صبور، ملایم، با اخلاق متعادل، همه وقت خود را صرف کسب موقفيت‌های حرفة‌ای یا رقابت‌های اجتماعی نمی‌کنند، کار یکنواخت و پایدار دارند، دچار کمبود وقت و فرصت نیستند، وقت مناسبی را هم برای

1. Genevece & Stephan

2. coronary heart diseases (CHD)

3. disease-prone

فعالیت‌های مورد علاقه خویش در بیرون از محیط کار اختصاص می‌دهند، آرام و شمرده صحبت می‌کنند (روزنگان، سلیگمن، ۱۹۹۸).

به طور کلی، یافته‌های پژوهشی ویژگی‌های شخصیتی رفتاری زیر را در افراد تیپ A تأیید می‌کنند: تمایل به تهابی کار کردن، بلندپروازی و کمال‌گرایی، گوش به زنگ و هوشیاری فراوان، تعجیل و شتاب در زندگی و رقابت‌جویی، پرخاشگری، تندیگی و ناآرامی، بی‌صبری، کم‌تحملی و تحریک‌پذیری، وقت‌شناختی افراطی و غرق در کار شدن زیاد و ناتوانی در کناره‌گیری از اشتغال به کار و علاقه افراطی به کار و حرفه. آنها نسبت به سایر افراد نمره‌های بالایی در ویژگی‌های شخصیتی پرخاشگری، خشونت و سلطه‌گری کسب می‌کنند؛ از روابط بین فردی و شرایط کاری خود کمتر راضی‌اند و مضطرب‌تر و افسرده‌تر هستند و فشار روانی بیشتری تجربه می‌کنند (نقل از نجاریان، ۱۳۷۴). آنها به سبب عزت‌نفس پایینی که دارند، حتی در شرایط عادی نیز احساس خطر و فشار روانی کرده، تلاشی افراطی برای بهبود وضعیت خود می‌کنند و در مورد مقام و منزلت احساس نگرانی زیادی دارند، در بیان احساسات خود ناتوانند و به مردم اعتماد کمتری دارند (جنآبادی، ۱۳۹۴). در مجموع افراد تیپ A سلامت روان پایین‌تر (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۴) بهداشت جسمانی ضعیف‌تر و آسیب‌پذیری بیشتری برای ابتلا به بیماری‌های جسمانی دارند (بروز و بلوئن، ۱۹۹۲). همچنین افراد دارای تیپ شخصیتی A عملکرد خانواده ضعیف‌تر (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱ و سپهوندی و همکاران، ۱۳۹۳) و رضایت زناشویی پایین‌تری دارند (جنآبادی، ۱۳۹۴ و ایران‌پور و حیدرثزاد، ۱۳۹۱).

با توجه به اهمیت کارآمدی خانواده لازم است دانش روان‌شناسی گام‌های مؤثری برای بررسی این تحولات بردارد تا بتواند پاسخگوی مراجعان باشد و به ارتقای بهداشت روانی انسان‌ها (هدف نهایی) دست یابد. دلیل این امر شمار فراوان زوج‌هایی است که برای مشاوره مراجعه می‌کنند و آمار روزافزون طلاق در جامعه می‌باشد که نتیجه آن افزایش اختلالات روانی و نابهنجاری در جامعه است.

بسیاری از پژوهش‌های حوزه کارآمدی خانواده در مراحل اولیه بر روابط پدر و مادر-کودک و روابط زوجین متمرکز شده است (بندورا، ۲۰۱۱؛ نقل از هوشیاری، ۱۳۹۳)؛ ازین‌رو، ضرورت دارد که مسائل فردی مرتبط در کارآمدی خانواده از جمله نقش جنسیتی و تیپ‌های شخصیتی زوجین نیز مورد مطالعه قرار گیرند.

همچنین مذهب و پایبندی به یک نظام مذهبی در زوجین به عنوان عامل اثرگذار بر کنترل هیجان و شناخت در فرد از مسائلی است که باید در نوع الگوی ارتباطی این زوجین بررسی شود،

زیرا مشاهده می‌شود که چگونه زوجین براساس پایبندی به مذهب در روابط زناشویی، خود را مسئول مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش به همدیگر و تعهد در روابط زناشویی می‌دانند (ثناگویی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۰). با وجود این با بررسی پیشینه پژوهش و ملاحظه پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، ملاحظه می‌شود که پژوهش‌های اندکی کارآمدی خانواده را با توجه به مبانی اسلامی سنجیده‌اند و ابزارهای مورد استفاده در بیشتر آنها، پرسشنامه‌های غیربومی است.

کمبود پژوهش‌های مرتبط با عوامل فردی کارآمدی خانواده و نیز نبود پژوهشی با موضوع رابطه نقش‌های جنسیتی و تیپ‌های شخصیتی زوجین با کارآمدی خانواده به‌ویژه در جامعه طلاب، از ضرورت‌های پرداختن به این موضوع است.

فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

نقش‌های جنسیتی در زوجین با کارآمدی خانواده رابطه دارند.

تیپ شخصیتی A در زوجین با کارآمدی خانواده رابطه دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را همه طلاب پایه (سال) پنجم تا هفتم ساکن شهر قم در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ و همسران آنها تشکیل می‌دهند. نمونه‌گیری به روش تصادفی خوش‌ای صورت گرفته است؛ از بین ۴۰ مدرسه تحصیل طلاب علوم دینی شهر قم سه مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها در بین طلاب پایه‌های ۵ تا ۷ و همسران آنها اجرا شد.

از دیدگاه جیمز استیونس در نظر گرفتن ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر، یک قاعده سر انگشتی خوب برای تعیین حجم نمونه به شمار می‌آید. پس به طور کلی تعیین حجم نمونه می‌تواند بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده باشد (هومن، ۱۳۹۳، ص ۲۲)؛ از این رو با توجه به تعداد متغیرهای موجود (کارآمدی خانواده شامل بعد حقوقی، اخلاقی و بینشی، تیپ شخصیتی شامل تیپ A و تیپ B و نقش جنسیتی شامل مردانه، زنانه، خنثی و آندروروژنی) حجم نمونه ۲۴۰ نفر شامل ۱۲۰ زوج تعیین شد.

ابزار پژوهش

ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش در قالب دو پرسشنامه به شرح زیر است:

^۱پرسش‌نامه نقش جنسیتی بم (BSRI)

این آزمون شامل ۶۰ صفت یا عبارت توصیفی است. از پاسخ‌دهندگان درخواست می‌شود برای هر مورد نشان دهنده که مقیاس از ۱ (هرگز یا تقریباً هرگز درست نیست) تا ۷ (همیشه یا تقریباً همیشه درست است) آن صفت تا چه اندازه می‌تواند آنها را توصیف کند. از ۶۰ صفت موجود ۲۰ صفت به صورت کلیشه‌ای زنانه، ۲۰ صفت به صورت کلیشه‌ای مردانه و ۲۰ صفت خنثی است؛ یعنی رفتار وابسته به جنسیت نیست.

هرگاه افراد این آزمون را انجام دهند، دو نمره به دست می‌آورند: یک نمره مردانگی و یک نمره زنانگی. نمره مردانگی نمره متوسط خودستجی‌های آنها در موارد مردانگی و نمره زنانگی آنها نمره متوسط خودستجی‌های آنان در موارد زنانگی است. بس بالا بودن را بالاتر از میانه (میانه نمره متوسط است) تعریف می‌کند. میانه در هریک از این مقیاس‌ها ۴.۹ است؛ بنابراین افرادی آندروژنی هستند که میانگین نمرات آنها در مقیاس مردانگی و نیز در مقیاس زنانگی بالاتر یا مساوی با میانه باشد. فردی که در ویژگی‌های زنانه نمره بالاتر یا مساوی با میانه داشته، ولی در ویژگی‌های مردانه نمراتی پایین‌تر از میانه داشته باشد، دارای نقش جنسیتی زنانه است. همین‌طور فردی که در ویژگی‌های مردانه دارای نمرات بالاتر یا مساوی با میانه باشد، ولی در ویژگی‌های زنانه نمراتی پایین‌تر از میانه داشته باشد، دارای نقش جنسیتی مردانه است و نیز فردی که در ویژگی‌های مردانه و زنانه دارای نمراتی پایین‌تر از میانه باشد، دارای نقش جنسیتی نامتمایز است؛ زیرا آنها به خود در هیچ‌یک از صفات مردانه یا زنانه رتبه بالایی نمی‌دهند و فرد با انجام دادن این پرسشنامه می‌تواند در یکی از ۴ گروه جای گیرد: مردانه، زنانه، آندروژنی و نامتمایز.

بم (۱۹۸۱) جهت محاسبه اعتبار فرم کوتاه پرسشنامه نقش جنسیتی، همبستگی آن را با فرم بلند بررسی کرد و ضریب همبستگی بین این دورا ۹۹٪ به دست آورد. اعتبار آزمون فرم کوتاه نقش جنسیتی بم به گزارش مهرابی‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد. تمام ضرایب همبستگی مؤلفه‌های این آزمون در سطح $p \leq .001$ معنا دارند. ضریب همبستگی کل آزمون برای زنان ۹۹٪ و مردان ۷۵٪ به دست آمده است. بم همسانی درونی این مقیاس را ۹۰٪ به دست آورد. مهرابی‌زاده و همکاران به منظور برآورد پایایی آزمون فرم کوتاه نقش جنسی بم و مؤلفه‌های آن ضرایب آلفای کرونباخ آنها را محاسبه کردند. ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۸۰٪ به دست آمد که نشانگر سطح بالای هماهنگی درونی آزمون است.

پرسش‌نامه تیپ‌های شخصیتی A و B

از جمله پرسش‌نامه‌هایی که برای ارزیابی تیپ شخصیتی ساخته شده، پرسش‌نامه تیپ شخصیتی A است. این پرسش‌نامه را فریدمن و روزمن ساخته که این تیپ‌های شخصیتی را ابداع کرده‌اند و افراد را به دو گروه شخصیتی متمایز می‌کنند.

این پرسش‌نامه دارای ۲۵ سؤال است که با گزینه‌های بله و خیر پاسخ داده می‌شوند. برای نمره‌گذاری این پرسش‌نامه پاسخ‌های «بله» شمارش می‌شوند. اگر تعداد پاسخ‌های «بله» بین ۲۱ تا ۲۵ بود، فرد دارای شخصیت تیپ A شدید است و اگر تعداد پاسخ‌های «بله» فرد بین نمره ۱۴ تا ۲۰ باشد، شخصیت وی A می‌باشد. در صورتی که تعداد پاسخ‌های بله فرد ۵ تا ۱۳ باشد تیپ B می‌باشد و در صورتی که تعداد پاسخ‌های بله فرد بین صفر تا ۴ باشد، تیپ شخصیتی فرد B شدید می‌باشد.

در یک مطالعه که بر روی دانشجویان ایرانی انجام گرفت، پایایی پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۶۲ به دست آمد (سپهریان و جوکار، ۱۳۹۱). در پژوهش شاکری‌نیا (۱۳۸۸) نیز پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ محاسبه شد. در پژوهش گرامی اصل، بدري وزينالي (۱۳۸۸) نیز مقدار آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی آزمون شخصیت ۰/۶۲ به دست آمد (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین روایی این پرسش‌نامه در بیشتر پژوهش‌ها ۰/۷ تا ۰/۸ گزارش شده است (نصیری و شریفی، ۱۳۹۲).

^۱پرسش‌نامه سنجش کارآمدی خانواده براساس منابع اسلامی صفورایی (S.FEQI)

شاخص‌های پرسش‌نامه S.FEQI برگرفته از تعالیم دین اسلام برای سنجش خانواده کارآمد است. این پرسش‌نامه دارای سه زیرمقیاس و ۷۹ عبارت است. شیوه نمره‌گذاری پرسش‌نامه سنجش کارآمدی خانواده براساس طیف ۴ درجه‌ای لیکرت است.

پرسش‌نامه سنجش کارآمدی خانواده، دارای سه عامل زیربنایی است: شاخص بینشی، شاخص اخلاقی و شاخص حقوقی. این پرسش‌نامه از اعتبار و ثبات درونی مطلوب برخوردار است. آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه ۰/۸۹ می‌باشد؛ همچنین اعتبار پرسش‌نامه از راه دونیمه کردن با روش اسپیرمن برآون و گاتمن ۰/۸۳ می‌باشد (صفورایی، ۱۳۸۹).

در پژوهشی دیگر هراتیان، حیدری، زارعی توپخانه و صفورایی (۱۳۹۴) به بررسی روایی مقیاس کارآمدی خانواده با استفاده از تحلیل عاملی پرداختند. برای بررسی پایایی این مقیاس از

1. Safurayi .Family Efficiency Questioner based on Islamic View

روش بررسی همسانی درونی بهوسیله آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به دست آمده است. براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت این پرسشنامه دارای روایی و پایایی بالا بوده و عوامل منسجمی از آن به دست می‌آید که می‌توان با کاربرد آن، کارآمدی خانواده را براساس منابع اسلامی مورد مطالعه قرار داد و در پژوهش‌های آتی از آن استفاده کرد.

یافته‌های پژوهش

افراد نمونه در دامنه سنی ۱۹ تا ۳۴ سال قرار داشتند و بیشترین حجم فراوانی مربوط به دامنه ۲۵ تا ۳۰ سال دارند. طلاب از نظر مقطع تحصیلی در سه پایه تحصیلی ۵، ۶ و ۷ قرار دارند (جدول ۱). همچنین آزمودنی‌ها از نظر نقش جنسیتی به چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شوند که بیشترین فراوانی مربوط به جنسیت نامتمايز و کمترین فراوانی مربوط به جنسیت تممايز مردانه است. از نظر تیپ شخصیتی افراد به دو دسته کلی تیپ شخصیتی A و تیپ شخصیتی B دسته‌بندی شدند. تقسیم براساس نمره‌ای است که فرد از پرسشنامه مربوطه به دست می‌آورد. در تقسیم‌بندی تیپ شخصیتی بیشترین فراوانی مربوط به تیپ شخصیتی B و کمترین فراوانی مربوط به تیپ شخصیتی A شدید به دست آمد (جدول ۲).

جدول ۱: فراوانی آزمودنی‌ها براساس جنسیت، تحصیلات و تیپ شخصیتی

غیرحوزه	حوزه	میزان طلاب از لحاظ تحصیلات حوزه	تحصیلات حوزه طلاب			جنسیت		فراوانی
			>	≤	≤	زن	مرد	
۹۶	۲۴	۴۴	۴۰	۳۶	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	فراوانی
۴۰	۱۰	۱۸/۳	۱۶/۷	۱۵	۵۰	۵۰	۵۰	فراوانی درصدی
۱۲۰			۱۲۰			۲۴۰		مجموع فراوانی

جدول ۲: فراوانی آزمودنی‌ها براساس تیپ شخصیتی

فراوانی درصدی	فراوانی	تیپ شخصیتی
۶/۷	۱۶	تیپ A شدید
۲۹/۲	۷۰	A تیپ
۴۶/۷	۱۱۲	B تیپ
۱۷/۵	۴۲	B تیپ شدید
۱۰۰	۲۴۰	مجموع

جدول ۳: فراوانی آزمودنی‌ها براساس نقش‌های جنسیتی

فراوانی درصدی	فراوانی			
۲۰	۴۸	۳۰	مرد	آندروروژنی
		۱۸	زن	
۸/۴	۲۰	۱۸	مرد	متمايز مردانه
		۲	زن	
۲۵/۸	۶۲	۱۴	مرد	متمايز زنانه
		۴۸	زن	
۴۵/۸	۱۱۰	۵۰	مرد	نامتمایز
		۸۰	زن	
۱۰۰		۲۴۰	مجموع	

جدول ۴: ویژگی‌های توصیفی آزمودنی‌ها براساس متغیرهای نمره مردانگی و زنانگی، تیپ شخصیتی و کارآمدی خانواده

متغیر	میانگین	بالاترین نمره	پایین‌ترین نمره	انحراف معیار	خطای استاندارد
نمره ویژگی‌های مردانه	۴.۳۶	۶.۳۰	۲.۱۵	۰.۸۴	۰..۰۵۴
نمره ویژگی‌های زنانه	۴.۸۲	۶.۳۵	۲.۸۵	۰.۶۵	۰..۰۴۲
تیپ شخصیتی	۱۱.۱۴	۲۲	۲	۴.۲۰	۰.۲۷۱
کارآمدی کل	۲۵۵.۶	۲۹۲	۱۹۶	۲۳.۱۸	۱.۴۹
عامل بینشی	۵۷.۳	۷۲	۳۱	۷.۳	۰.۴۷
عامل اخلاقی	۱۱۷.۱	۱۳۶	۸۵	۱۱.۸	۰.۷۶
عامل حقوقی	۸۱.۱	۹۶	۵۵	۷.۶	۰.۴۹

جدول ۵: ماتریس همبستگی نقش‌های جنسیتی آزمودنی‌ها و کارآمدی خانواده

متغیر	P/sig	کارآمدی خانواده	همبستگی	همبستگی	متغیر
کارآمدی خانواده	۱	همبستگی	--	سطح معناداری	آندروروژنی
	--	سطح معناداری	۰.۴۴۴*	همبستگی	
آندروروژنی	۱	همبستگی	--	سطح معناداری	متمايز مردانه
	--	سطح معناداری	۰.۴۴۴*	همبستگی	
متمايز مردانه	۱	همبستگی	--	سطح معناداری	متمايز زنانه
	--	سطح معناداری	۰.۴۴۴*	همبستگی	
متمايز زنانه	۱	همبستگی	--	سطح معناداری	نامتمایز
	--	سطح معناداری	۰.۴۴۴*	همبستگی	
نامتمایز	۱	همبستگی	--	سطح معناداری	
	--	سطح معناداری	۰.۴۴۴*	همبستگی	

 $P \leq .01$

جدول ۶: ماتریس همبستگی نقش‌های جنسیتی آزمودنی‌ها و زیرمقیاس‌های کارآمدی خانواده

متغیر	P/sig	آندروزنی	نامتمایز	متمايز مردانه	متمايز زنانه
عامل اخلاقی	همبستگی	.۴۴۲	-.۰۳۹	.۰۰۳	-.۰۱۹
	سطح معناداری۹۷۸	.۸۳۳
عامل حقوقی	همبستگی	.۳۳۸	-.۰۳۵	.۰۰۳	.۰۹۴
	سطح معناداری۹۷۴	.۳۰۹
عامل بینشی	همبستگی	.۳۳۵	-.۰۲۳	.۰۳۳	-.۰۶۰
	سطح معناداری۷۱۸	.۵۱۸

جدول ۷: ماتریس همبستگی تیپ‌های شخصیتی و کارآمدی خانواده

متغیر	P/sig	عامل اخلاقی	عامل حقوقی	عامل بینشی	نامتمایز	متمايز مردانه	متمايز زنانه
عامل اخلاقی	همبستگی	--	--	--	-.۰۳۹	.۰۰۳	-.۰۱۹
	سطح معناداری	--	--	--۹۷۸	.۸۳۳
عامل حقوقی	همبستگی	۱	--	--	-.۰۳۵	.۰۰۳	.۰۹۴
	سطح معناداری	--	--	--۹۷۴	.۳۰۹
عامل بینشی	همبستگی	--	--	--	۱	-.۰۲۳	-.۰۶۰
	سطح معناداری	--	--	--۷۱۸	.۵۱۸
آندرزوژنی	همبستگی	.۰۴۲	.۰۳۸	.۰۳۵	.۰۳۳	--	--
	سطح معناداری	--	--	--	--	--
نامتمایز	همبستگی	-.۰۳۹	-.۰۳۵	-.۰۲۳	-.۰۲۳	۱	--
	سطح معناداری	--	--	--	--	--
متمايز مردانه	همبستگی	-.۰۳۳	-.۰۳۳	-.۰۳۳	-.۰۳۳	۱	--
	سطح معناداری	--	--	--	--	--
متمايز زنانه	همبستگی	-.۰۱۹	-.۰۰۶	-.۰۰۶	-.۰۰۶	۱	--
	سطح معناداری	--	--	--	--	--
متغیر	P/sig	تیپ A شدید	تیپ A	تیپ B	B	تیپ B شدید	
کارآمدی خانواده	همبستگی	-.۰۴۱*	-.۰۴۱*	.۰۴۹۵*	.۰۰۸۵	-.۰۰۸۵	
	سطح معناداری	--	--	--۰۱۷۸	

 $P \leq .001$

بحث و بررسی

دو فرضیه اصلی در این پژوهش در نظر گرفته شد که در ادامه با توجه به داده‌های آماری به دست آمده تبیین می‌شود.

بررسی فرضیه اول

فرضیه اول عبارت است از اینکه: «نقش جنسیتی زوجین با کارآمدی خانواده رابطه دارد». در این پژوهش آزمودنی‌ها با توجه به نقش جنسیتی به چهار دسته آندروزنی، متمايز مردانه، متمايز زنانه و نامتمایز تقسیم‌بندی شدند و همبستگی هریک با استفاده از آزمون همبستگی

پیرسون، با کارآمدی خانواده بررسی شد. نتایج نشان داد که نقش جنسیتی آندروژنی با کارآمدی خانواده همبستگی مثبت معنادار دارد و نقش جنسیتی نامتمایز با کارآمدی خانواده همبستگی منفی معنادار دارد؛ اما نقش جنسیتی متمایز مردانه و متمایز زنانه با کارآمدی خانواده همبستگی معنادار ندارند (جدول ۵). جهت به دست آوردن اطلاعات بیشتر رابطه بین زیرمقیاس‌های کارآمدی خانواده با نقش‌های جنسیتی بررسی شد که نتایج بیانگر وجود رابطه معنادار مثبت بین نقش جنسیتی آندروژن و هر سه زیرمقیاس بینشی، اخلاقی و حقوقی در کارآمدی خانواده است (جدول ۶).

از این رو می‌توان نتایج زیر را بیان کرد:

۱. با بالاتر رفتن نمره افراد در نقش جنسیتی آندروژنی کارآمدی خانواده آنها بالاتر می‌رود؛
 ۲. با بالاتر رفتن نمره افراد در نقش جنسیتی «نامتمایز» کارآمدی خانواده آنها پایین‌تر می‌رود؛
 ۳. نقش جنسیتی متمایز مردانه با کارآمدی خانواده رابطه معناداری ندارد؛
 ۴. نقش جنسیتی متمایز زنانه با کارآمدی خانواده رابطه معناداری ندارد.
- از این رو، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

نتایج این بخش پژوهش با پژوهش‌های فراوان پیشین زیر همسو است:

پژوهش خانی مجده (۱۳۹۱) نشان داد باورهای جنسیتی با عملکرد خانواده رابطه معنادار دارد؛ همچنین یلسما و براون (۱۹۸۵) نشان دادند که همسران آندروژنی بهتر از دیگران قادر به مدیریت تعارضاتشان هستند و نقش جنسیتی بهتر از جنسیت زیستی می‌تواند پیش‌بینی کننده رفتارهای ارتباطی زوجین باشد و نیز در پژوهش رادلاو (۱۹۸۳) افراد آندروژنی در مورد رابطه جنسی عملکرد بهتری داشتند. نتایج پژوهش خمسه‌ای (۱۳۸۵) نشان داد که زنان دارای نقش جنسیتی صرفاً زنانه از رفتار جنسی شان نارضایتی بیشتری دارند و نیز پسران آندروژنی در مقایسه با پسران دیگر، از رضایت اجتماعی بالاتری برخوردار بودند (حجازی و همکاران، ۱۳۸۰) و براساس پژوهش کریم‌نژاد نیارق و همکاران (۱۳۸۹) می‌توان دریافت که با افزایش نمره طرحواره جنسی، میزان رضایت زناشویی زنان افزایش می‌یابد و طرحواره‌های جنسی بر میزان رضایت زناشویی تأثیر دارد.

همچنین بنابر نتیجه دومی که در مورد فرضیه اول به دست آمد، گفته شد که نقش جنسیتی نامتمایز با کارآمدی خانواده رابطه معنادار منفی دارد که این نتیجه با بخش آخر نتایج پژوهش یلسما و براون (۱۹۸۵) هماهنگ است که نشان داد همسران نامتمایز کمتر از دیگران قادر به مدیریت تعارضاتشان هستند؛ همچنین نامتمایزها نسبت به افراد مردانه و یا زنانه احساسات مثبت

کمتر، انرژی پایین‌تر در انجام وظایف و میل به کنترل کمتری را نشان داده‌اند و نیز جنسیت مردانه در این زمینه‌ها از جنسیت زنانه بهتر بودند و جنسیت آندروغن بالاترین نمره در این زمینه‌ها را داشته‌اند.

با توضیحات بالا نتیجه گرفته می‌شود که این بخش از پژوهش حاضر پژوهش‌های فراوان پیشین را پشتیبانی می‌کند.

بررسی فرضیه دوم

فرضیه دوم این پژوهش عبارت است از اینکه «تیپ شخصیتی A و B زوجین با کارآمدی خانواده رابطه دارد».

در این پژوهش آزمودنی‌ها به‌طور کلی در دو دسته تیپ شخصیتی A و تیپ شخصیتی B قرار دارند. با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، همبستگی هریک با کارآمدی خانواده افراد بررسی شد. نتایج نشان داد بین تیپ شخصیتی «A شدید» با کارآمدی خانواده همبستگی منفی معنادار وجود دارد. همچنین بین تیپ شخصیتی A با کارآمدی خانواده همبستگی منفی معنادار وجود دارد و بین تیپ شخصیتی B و کارآمدی خانواده همبستگی مثبت معنادار وجود دارد، ولی بین تیپ شخصیتی «B شدید» با کارآمدی خانواده رابطه معناداری وجود ندارد (جدول ۷).

از این رو نتایج زیر به‌دست آمد:

۱. با بالاتر رفتن نمره افراد در تیپ شخصیتی «A شدید» از میزان کارآمدی خانواده آنها کاسته می‌شود.

۲. با بالاتر رفتن نمره افراد در تیپ شخصیتی A از میزان کارآمدی خانواده آنها کاسته می‌شود.

۳. با بالاتر رفتن نمره افراد در تیپ شخصیتی B کارآمدی خانواده آنها افزایش پیدا می‌کند.

۴. نمره افراد در تیپ شخصیتی «B شدید» رابطه‌ای با کارآمدی خانواده آنها ندارد.

از این رو فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می‌گردد.

در تبیین نتایج بالا در مورد نقش جنسیتی افراد می‌توان گفت که جامعه مورد مطالعه ما، جامعه‌ای است که بخش قابل توجهی از افراد آن به سمت آندروغنی بودن گرایش پیدا کرده‌اند (جدول ۳)؛ مردان و زنان پاسخگو، بسیاری از ویژگی‌هایی که در گذشته، به‌طور مرسوم مخصوص جنس مخالفشان بود؛ امروز جزء ویژگی‌های خود دسته‌بندی کرده و یا بسیاری از کلیشه‌هایی را که تا امروز کاملاً وابسته به جنسشان بود، دیگر تنها متعلق به خود نمی‌دانند. دیگر زنان از اینکه خود را به عنوان افرادی معرفی کنند که دارای توانایی دفاع کردن از باورهای خود، مستقل، شجاع، دارای

شخصیت محکم و خودکفا و دارای توانایی رهبری هستند (خصوصیاتی که در جامعه مخصوص مردان تعریف شده است)، ترسی ندارند و همچنین، اگر خودشان را نیز با کلیشه‌های دردآشنا، حساس به نیازهای دیگران، حساس، علاوه‌مند به کودکان و ملایم بازنمایی نکنند، برایشان قابل قبول و پذیرش است. از سوی دیگر، مردان بیش از هر زمانی خود را به عنوان افرادی دارای خصوصیات باعطفه، دردآشنا، دارای توانایی درک دیگران، دلرحم، در پی رفع آزردگی (کلیشه‌هایی که در اجتماع مخصوص زنان تعریف شده) معروفی می‌کنند و دیگر تأکیدی به شناساندن خود به عنوان افرادی سلطه‌گر، پرخاشگر، تمایل به خطرپذیری و مقاوم در برابر دیگران ندارند. همه این موارد نشان‌دهنده آن است که بسیاری از کلیشه‌های متعلق به جنسیت، تغییر یافته‌اند و به راحتی برای تعریف هر دو جنس از آن به کار برده می‌شود.

در میان داده‌های جدول توجه به این مسئله نیز ضروری است که شمار زیادی از پاسخگویان ما در قشر کلیشه‌ای نامتمایز قرار گرفته‌اند، در حالی که بنابر نظر بم (۱۹۸۱) جوامع در سیر روند رو به جلوی خود در طول زمان رو به سوی آندروغژنی بودن سوق پیدا می‌کنند، اما در جامعه مورد پژوهش ما با اینکه بسیاری از زنان و مردان کلیشه‌های وابسته به جنس خود را از دست داده‌اند، اما نتوانسته‌اند کلیشه‌های آندروغژنی را در خود درونی کنند و درواقع، گروه بزرگی از افراد کلیشه‌های نامتمایز را تشکیل داده‌اند که اگر پذیریم کلیشه‌های جنسیتی عینک‌هایی هستند که افراد با آنها دنیای خود را نظاره می‌کنند و آنان را در رویارویی با شرایط گوناگون آماده و قابل پیش‌بینی می‌کنند، این افراد فاقد این آمادگی و قدرت پیش‌بینی هستند.

در مورد بخش دیگر نتایج توصیفی، یعنی دسته‌بندی تیپ‌های شخصیتی افراد با توجه به اینکه بیشترین تعداد افراد دارای تیپ شخصیتی B هستند و هرچه نمره افراد به سمت تیپ A پیش می‌رود، از تعداد افراد کاسته می‌شود (جدول ۲)، می‌توان این نتیجه را گرفت که بخش بزرگی از جامعه موردنظر در موقعیت‌های تنش زا کمتر خشمگین می‌شوند و حتی هنگام خشم موقعیت را با واقع‌بینی بیشتر می‌پذیرند. این افراد غالباً دارای اعصاب آرام و راحت‌اند، بهندرت سخن دیگران را قطع می‌کنند، اشتباههای خود را می‌پذیرند و آنها را به منزله فرصت‌هایی برای آموختن می‌دانند و معمولاً نگران وقت نیستند.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های زیر همسو است:

مطالعه مرادی و همکاران (۱۳۹۱) که طبق آن بین تیپ شخصیتی A و B و عملکرد خانواده رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش ایران‌پور و حیدریزاد (۱۳۹۱) که نشان داد رضایت زناشویی با تیپ شخصیتی A همبستگی منفی و با تیپ شخصیتی B همبستگی مثبت دارد. سپهوندی و

همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند بین تیپ‌های شخصیتی A و B و نمره کل عملکرد خانواده رابطه معنادار وجود دارد (نمره بالا بیانگر تیپ شخصیتی A و نمره پایین بیانگر تیپ شخصیتی B است). پژوهش جناآبادی (۱۳۹۴) که نشان داد تیپ شخصیتی A با رضایت زناشویی همبستگی منفی و معناداری دارد. یافته‌های پژوهش فینچام، هارولد و گانوفیلپس (۲۰۰۰) که بیانگر آن است که ویژگی‌های شخصیتی، پیش‌بینی‌کننده سلامتی، رضایت زناشویی، طلاق و موفقیت شغلی بوده است. پس این بخش از مطالعه حاضر، پژوهش‌های فراوان پیشین را پشتیبانی می‌کند.

کاربردهای پژوهش

امروزه آموزش پیش از ازدواج زوج‌های جوان یک ضرورت مسلم دانسته می‌شود، به‌طوری که تا حدود زیادی می‌توان خوشبختی و بدبختی زن و مرد را از آغاز زندگی مشترک آنان پیشگویی کرد؛ پس می‌توان از نتایج این پژوهش در مشاوره پیش از ازدواج زوجین بهره برد. بهیان‌دیگر، بسیاری از مشکلات آنها قابل پیشگیری خواهند بود. به همین دلیل هر اندازه دختر و پسر اطلاعات بیشتری در جهت شناخت خود و همسر آینده‌شان داشته باشند و ملاک‌های معقولتری را برای انتخاب همسر در نظر گیرند، در زندگی زناشویی خود با مشکلات و ناسازگاری‌های کمتری روبرو خواهند شد.

همچنین، نتایج پژوهش می‌توانند مورد استفاده روان‌شناسان و روان‌پزشکان در محیط‌های بالینی و درمان (زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی و درمان‌های فردی)، مشاوران در مشاوره‌های زناشویی، روان‌شناسان تربیتی در راهنمایی والدین برای انتخاب شیوه‌های فرزندپروری، روان‌شناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان و اساتید دانشگاه و مراکز علمی-پژوهشی و آموزشی که در زمینه مشاوره و خانواده فعالیت می‌کنند، قرار گیرد تا با افزایش آگاهی جامعه، بتوان شدت تعارضات را کاهش داد و گامی در جهت ارتقای سلامت روانی از راه‌های زیر برداشت:

۱. تلاش در جهت تغییر عناصر سوگیرانه آداب و رسوم و نگرش‌های جامعه که نگرش‌های کلیشه‌ای و قالبی را درباره زنان و مردان جامعه مطرح می‌کنند؛
۲. تجدید نظر در مفاهیم نادرست و بدون مبنای علمی، همراه با بررسی مفاهیم جدید زندگی خانواده؛

۳. شناساندن مسئله نقش‌های جنسیتی و تیپ‌های شخصیتی و پیچیدگی‌های آن به جامعه؛

۴. بهبود نقش‌های اجتماعی و خانوادگی هر دو جنس؛

۵. توجه به عوامل مؤثر در ساخت شخصیت افراد از سنین کودکی و توجه به آن در نظام آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت و نیز آگاهی دادن به والدین و افراد متکفل امر تربیت؛
۶. تلاش در تربیت کودکان با توجه به نقش‌ها و تفاوت‌های جنسیتی فطری و ذاتی آنها، به‌ویژه با استفاده از آموزه‌های تربیتی دینی کارشناسی شده و نه با استفاده از نگرش‌های فردی و آداب و رسوم بدون پشتیبانی علمی.

همچنین، این پژوهش می‌تواند به پشتونه دیگر مطالعات به ارتقای دانش در زمینه نقش‌های جنسیتی زوجین و تیپ‌های شخصیتی و کارآمدی خانواده بینجامد.

هر پژوهشی از محدودیت‌هایی برخوردار است؛ پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نبوده و دارای محدودیت‌هایی به شرح زیر می‌باشد:

۱. پژوهش حاضر تنها در بین طلاب پایه‌های ۵ تا ۷ ساکن در شهر قم انجام شده است. ازین‌رو، تعمیم نتایج به غیرطلاب، طلاب سایر شهرها و نیز طلاب مقاطع تحصیلی دیگر باید با احتیاط صورت گیرد؛
۲. با توجه به اینکه دو پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش (پرسشنامه نقش جنسیتی و پرسشنامه تیپ‌های شخصیتی A و B) غیردینی بودند، برای اجرا روی طلاب دارای تحصیلات دینی و علوم حوزوی با واکنش‌هایی روبرو شد.

انجام امور زیر می‌تواند به جبران کاستی‌های این پژوهش کمک کند:

۱. انجام پژوهشی مشابه در جامعه طلاب ساکن در سایر شهرها و نیز در جامعه دانشجویان و مقایسه آن با نتایج به دست آمده از این پژوهش؛
۲. ساخت و اعتباریابی آزمونی جهت سنجش نقش‌های جنسیتی افراد با استفاده از مبانی و منابع اسلامی؛
۳. ساخت و اعتباریابی آزمونی جهت تعیین تیپ شخصیتی افراد با استفاده از مبانی و منابع اسلامی؛
۴. در پژوهش حاضر تنها ارتباط دو متغیر با کارآمدی خانواده توصیف و تبیین شد. سایر متغیرهای مرتبط یا تأثیرگذار با کارآمدی خانواده می‌تواند در پژوهش‌های دیگر بررسی شوند.

منابع

* قرآن کریم.

۱. اسدی، لیلا و عاطفه ذبیحی (۱۳۹۴)، «جایگاه و ضرورت اخلاق محوری در تئنین قوانین و مقررات مربوط به خانواده»، پژوهش نامه اخلاق، س ۸، ش ۲۷، ص ۱۴۱-۱۵۸.
۲. اشترايه، فاطمه؛ علیرضا مهدویان و آناهیتا خدابخشی کولایی (۱۳۹۲)، «مقایسه نقش‌های جنسیتی و خودمتمازیسازی در دانشجویان متاهل زن»، زن و جامعه، س ۴، ش ۴.
۳. امانی، رزیتا و محمد رضا مجذوبی (۱۳۹۱)، «رابطه بین تیپ‌های شخصیتی مایریز-بریگز و رضایتمندی زناشویی»، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سنتندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنتندج.
۴. ایران‌پور، رقیه و کیوان حیدری‌زاد (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین تیپ‌های شخصیتی با رضایت زناشویی»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سنتندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنتندج.
۵. برک. لورا ای (۲۰۰۱)، روان‌شناسی رشد (از لفاح تا کودکی)، ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۱)، تهران: نشر ارسباران.
۶. بستان، حسین (۱۳۸۵)، «بازنگری نظریه‌های نقش جنسیتی»، پژوهش زنان، دوره ۴، ش ۱ و ۲، ص ۳۱-۵.
۷. بستان، حسین (۱۳۹۲)، «کوششی نظری در جهت ساخت مدل اسلامی ثبات خانواده»، مطالعات زن و خانواده، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا، دوره ۱، ش ۱، ص ۶۹-۹۸.
۸. بهبودی، معصومه (۱۳۸۸)، «پیش‌بینی کارکرد خانواده براساس ویژگی‌های شخصیتی زوجین»، اندیشه و رفتار، دوره ۳، ش ۱۱.
۹. ثناگویی، محمد و مسعود جان‌بزرگی (۱۳۹۰)، «رابطه پاییندی مذهبی با الگوهای ارتباطی زوجین»، روان‌شناسی و دین، ش ۱۶، ص ۱۰۳-۱۲۰.
۱۰. جنا آبادی، حسین (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه تیپ‌های شخصیتی (A, T, B, D) با رضایت زناشویی کارکنان مراکز بهداشت»، شخصیت و تفاوت‌های فردی، س ۴، ش ۷، ص ۱۸۴-۱۹۹.

۱۱. حجازی، الهه و دیگران (۱۳۸۰)، باورهای جنسیتی دانشآموزان شهر تهران، رابطه آن با رضایتمندی روانی اجتماعی، تهران: دفتر توسعه و برنامه‌ریزی معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پژوهش.
۱۲. حر عاملی، محمد ابن‌الحسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۳. خانی‌مجد، صدیقه؛ تقی پورابراهیم و جلیل فتح‌آبادی (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده دانشجویان فارس و کرد»، *خانواده‌پژوهی*، س، ۸، ش، ۳۲، ص ۴۰۵-۳۹۲.
۱۴. خمسه‌ای، اکرم (۱۳۸۵)، «بررسی ارتباط میان رفتار جنسی و طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه از دانشجویان متأهل: مقایسه رفتار جنسی زنان و مردان در خانواده»، *خانواده‌پژوهی*، ش، ۸.
۱۵. روزنهان، د.ال و س. ای. سلیگمن (۱۹۵۵)، آسیب‌شناسی روانی، ترجمه یحیی سید‌محمدی (۱۳۷۹)، تهران: ساوالان.
۱۶. سپهریان، فیروزه و لیلا جوکار (زمستان ۱۳۹۱)، «ارتباط اعتیاد به اینترنت با اضطراب در تیپ‌های شخصیتی نوع A و B»، دوره ۲، ش، ۲۰-۳۰، ص ۱۷.
۱۷. سپهوندی، محمدعلی؛ سید‌مسعود دهقان منشادی؛ سمية سبزمنش جعفری و سارا قادری (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه تیپ‌های شخصیتی A و B و اضطراب والدین با عملکرد خانواده»، دومین کنفرانس ملی روان‌شناسی و علوم رفتاری، تهران.
۱۸. سلطانی، مهین و دیگران (۱۳۹۴)، «رابطه تیپ‌های شخصیتی A و B با استرس شغلی سبک مدیریت با سلامت روان کارکنان شهرستان کرمانشاه»، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
۱۹. شاکریان، عطا (۱۳۹۱)، «رابطه پنج عامل شخصیت (روان‌نژندی، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، دل‌پذیری و انعطاف‌پذیری) با سازگاری زناشویی»، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سندج.
۲۰. صادقی، منصوره سادات و همکاران (۱۳۹۴)، «رابطه تشابه و یزگی‌های شخصیتی زوجین و رضایت زناشویی»، روان‌شناسی معاصر، س، ۱۰، ص ۶۷-۸۲.
۲۱. صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۸۸)، *شاخص‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام و ساخت پرسش‌نامه آن*، پایان‌نامه دکتری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۲۲. صفورایی پاریزی، محمدمهری (۱۳۸۹)، «نقش حقوق در کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام»، س ۱۹، ش ۱۵۴، ص ۶۹-۸۲.
۲۳. صفورایی پاریزی، محمدمهری (۱۳۹۰)، «نقش اعتقادات، بینش‌ها و باورهای دینی در کارآمدی خانواده»، معرفت، س ۲۰، ش ۱۶۳، ص ۵۳-۶۵.
۲۴. عباسی، روح الله و کاظم رسول‌زاده طباطبایی (۱۳۸۸)، «بررسی رضایتمندی زناشویی و تفاوت‌های فردی»، علوم رفتاری، ش ۳ (پیاپی ۹).
۲۵. علی‌مدد، زهرا؛ جواد کرم خانی؛ نعمت قاسمی و داراب جلیلیان (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با رضایت زناشویی در زنان شاغل بخش دولتی شهرستان ایلام» (سه طبقه آموزشی، خدمات بهداشتی و تأمین اجتماعی)، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سنتنده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنتنده.
۲۶. قاسمی ارگه، حامد؛ عذرا اعتمادی؛ وحید رنگی و سمیره دهقان (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و میزان رضایت زناشویی»، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سنتنده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنتنده.
۲۷. کریم‌نژاد نیارق، سعید؛ احمد برجعلی؛ فاطمه علویان و فاطمه آذرتاش شندی (۱۳۸۹)، «رابطه رضایت و طرحواره‌های جنسی با رضایت زناشویی دانشجویان زن متاهل»، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی لرستان، افلاک، دانشکده پرستاری و مامایی خرم‌آباد، س ۶، ش ۲۰ و .۲۱.
۲۸. گولومبوک، سوزان و فیوش، راین، رشد جنسیت، ترجمه مهرناز شهرآرای (۱۳۷۸)، تهران: ققنوس.
۲۹. محمدزاده ابراهیمی، علی؛ فرهاد جمهری و احمد برجعلی (۱۳۸۶)، «رابطه بین مشابهت و مکمل بودن در ابعاد شخصیتی زوجین با رضایتمندی زناشویی»، روان‌شناسی تربیتی، دوره جدید، س ۳، ش ۱۰، ص ۷۷-۹۱.
۳۰. مرادی، امید؛ یحیی یاراحمدی؛ هادی نقדי و شایسته چارداولی (۱۳۹۱)، «پیش‌بینی سلامت عمومی دانشجویان براساس تیپ شخصیتی A و B عملکرد خانواده»، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سنتنده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنتنده.
۳۱. معین، لادن؛ زهرا عباسی؛ سهیلا جاهدی و فیروزه دست‌غیب (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین عملکرد خانواده با ویژگی‌های شخصیت و خودکارآمدی نوجوانان»، دومین همایش ملی روان‌شناسی-روان‌شناسی خانواده، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

۳۲. موسی‌زاده، زهره (۱۳۹۳)، خانواده‌پژوهی از منظر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت با رویکرد معارف اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۳۳. نجاریان، بهمن؛ بهنام مکوندی؛ بهرام دباغ و سارا نیکفر (۱۳۷۴)، «ساخت و اعتباریابی مقدماتی مقیاسی برای سنجش تیپ شخصیتی A»، علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره جدید، س، ۲، ش ۱ و ۲، ص ۵۰-۲۴.
۳۴. نجاریان، بهمن و سیامک خدارحیمی (۱۳۷۷)، «دوگانگی جنسیتی (آندروژنی)»، تازه‌های روان‌درمانی، س، ۳، ش ۹ و ۱۰، ص ۴۴-۳۰.
۳۵. نصرالله‌ی، عباس؛ رضا دادف؛ وجید احمدی؛ فرهاد فیض‌ریگی؛ صادق رستمی؛ حمزه ویسی و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی ارتباط بین فرسودگی شغلی با تیپ‌های شخصیتی (A، b) و رضایت شغلی در میان مریبان مهدهای کودک شهرستان ایلام»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، س، ۲۱، ش ۶، ص ۲۰۸-۲۱۴.
۳۶. نصیری، فرزاد و شکوفه شریفی (شهریور ۱۳۹۲)، «ارتباط ترس از زایمان و تیپ شخصیتی در زنان باردار»، مجله زنان مامایی و نازایی، دوره ۱۶، ش ۶۶، ص ۱۸-۲۵.
۳۷. هاید، ژانت شیبلی (۱۹۹۶)، روان‌شناسی زنان (سهم زنان در تجربه بشری)، ترجمه اکرم خمسه (۱۳۹۴)، ج ۴، تهران: انتشارات ارجمند.
۳۸. هراتیان، عباس‌علی؛ سیدحسین حیدری؛ محمد زارعی توپخانه و محمدمهدی صفورایی پاریزی (۱۳۹۴)، «بازشناسی ساختار عاملی مقیاس اسلامی کارآمدی خانواده»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناسی، س، ۱، ش ۳، ص ۲۷-۴۳.
۳۹. هوشیاری، جعفر؛ محمدمهدی صفورایی و بهشته نیوٹ (۱۳۹۳)، «رابطه کارآمدی خانواده با بهزیستی معنوی در دانشجویان و طلاب»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س، ۸، ش ۱۵، ص ۸۷-۱۰۲.
۴۰. هومن، حیدرعلی (۱۳۹۳)، مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل، تهران: سمت.

41. Bem, S. L. (1981), *A manual for the Bem Sex Role Inventory*. Palo Alto, CA: Consulting Psychologist Press Spadin, 1989.
42. Bem, S. L. (1981), *Gender Schema Theory: A cognitive account of sex – typing*. Psychology Bulletin, 88, 354-364.
43. Bentler, P. M, New comb. M. D, (1998), Longitudinal study of marital success and Failure, Journal of stalting and clinical Psychology vol. 46, p, 1053-1070.

44. Burns. W and Bluen. S. (1992), *Assessing a multidimensional Type A behaviour scale*. Personality and Individual Differences, 13 (9): 977-986.
45. Fincham, Frank D. Harold, Gordon T. Gano-Philips, S. (2000), *The longitudinal association between attributions and marital satisfaction: Direction of effects and role of efficacy expectations.*: Journal of Family Psychology.
46. Frank, N. M. & Kim, H. (1998), *Teamwork and Trait Extremes Based on the Big Five Model of Personality*. Eastern Academy of Management Conference, Springfield, MA.
47. Friedman, H. S. & Booth-Kewley, S. (1987), The “disease-prone personality”: *A meta-analytic view of the construct*. American Psychologist, 42, 539-555.
doi:10.1037/0003-066X.42.6.539
48. Manstead, A.R & Hewston, M & Fisk, S. T & Hogg, M. A & Reies, H.T and Semin, G. (1996), *The black well Encyclopedia of Social psychology*. Black well publisher Ltd.
49. Yelsma. Paul and Charles T. Brown, *Gender Roles, Biological Sex, and Predisposition to Conflict Management, Sex Roles*, Vol. 12, Nos. 7/8, 1985.
50. Radlave, S. (1983), *Sexual response and gender role*, In ER. Allger & N. B. Yuen, S.A and Kuiper, N.A. (1992), Type A and self-evaluation: A social comparison perspective. Personality and individual Differences, 13 (5): 549-562.